اندیشنامه نظام‌اسلامی (۱۰)

علیه اشرافیت، همراه با مستضعفین

آسیب‌شناسی اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی مسئولان

اندیشکده برهان
قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ صادِقین
www.BORHAN.ir

عنوان و نام پدیدآور : علیه اشرافیت، همراه با مستضعفین : آسیب‌شناسی اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی مسئولان/ نویسنده اندیشکده برهان.
مشخصات نشر : تهران: دیدمان ، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۹۱ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س‌م.
فروست : اندیشنامه نظام اسلامی ؛ ۹.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۱-۷۱-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
عنوان دیگر : آسیب‌شناسی اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی مسئولان.
موضوع : مدیران دولتی -- ایران -- اخلاق حرفه‌ای
موضوع : Government executives -- Iran -- Professional ethics
موضوع : تجمل -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع : Luxury -- Social aspects
موضوع : مستضعفان
موضوع : (The Oppressed (Mostaza'fan*
شناسه افزوده : اندیشکده برهان
رده بندی کنگره : HD۳۸/۲
رده بندی دیویی : ۶۵۸/۴
شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۷۸۱۳۰

اندیشکده برهان
فَلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ
www.BORHAN.ir

انتشارات دیدمان

عنوان: علیه اشرافیت، همراه با مستضعفین
نویسنده: اندیشکده برهان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۱-۷۱-۷
نشر: دیدمان
تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۸
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۲۰۰
قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

www.DidemanBook.ir
www.BORHAN.ir
info@borhan.ir

تهران، چهارراه شهید لواسانی، خیابان بوستان،
کوچه نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۹۱
پیامک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به «اندیشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.

فهرست

پیشگفتار ۸

مقدمه ۱۰

گفتار اول

اشرافیت و اشرافی‌گری ۱۷

اشرافیت در متون دینی ۱۸

عوامل اشرافیت ۲۰

گفتار دوم

زهد و ساده‌زیستی ۲۳

ساده‌زیستی و زهد ۲۴

آثار ساده‌زیستی مسئولان ۲۸

نمونه‌هایی از ساده‌زیستی امام علی علیه‌السلام ۳۲

ساده‌زیستی؛ شاخصهٔ مهم رهبری امام خمینی (ره) ۳۴

سلوک فردی و حکومتی شهیدان رجایی و باهنر ۳۹

گفتار سوم

اسراف و تجمل‌گرایی خواص ۴۳

تجمل‌گرایی ۴۴

عوامل تأثیرگذار در ایجاد روحیهٔ تجمل‌گرایی ۴۵

مصرف‌گرایی و رابطهٔ آن با آسیب‌های اجتماعی ۴۶

مکتب سیاسی اسلام و مسألهٔ اشرافی‌گری ۴۷

تربیت اخلاقی و مسئولیت اجتماعی ۴۹

توجه به گسترش فرهنگ دینی ۵۱

خطر انحراف برای مسؤول رفاه طلب ۵۲

دو دوران متفاوت، جنگ تحمیلی و سازندگی ۵۴

اموال مسؤولان و خانواده‌هایشان در زیر ذره بین ۵۵

نقص قوانین و پایش مسؤولان ۵۶

گفتار چهارم

پیامدهای اشرافیت مسئولان ۵۹

گسترش فساد ۶۱

سقوط و نابودی ۶۲

انحطاط اخلاقی ۶۳

زیان اقتصادی ۶۴

فرجام اخروی ۶۵

وابستگی و خضوع در برابر بیگانگان ۶۶

ستم به مردم ۶۷

دور شدن از مردم ۶۸

گسترش فرهنگ مادی ۶۹

تضییع بیت‌المال ۷۰

شکاف طبقاتی ۷۱

رشد حرص و آز و دشوار شدن زندگی ۷۱

نتیجه‌گیری ۷۳

گفتار پنجم

مستضعفین اولویت اول نظام اسلامی..... ۷۷

مستضعفان و محرومین، دارای نقش اصلی در پیروزی انقلاب ۷۷

اولویت منافع و مصالح مستضعفین و محرومین نسبت به دیگران ۷۹

چرایی تأکید بر منافع محرومین..... ۸۱

عدالت اجتماعی..... ۸۴

مستضعفین سرمایه اجتماعی پایدار نظام ۸۵

نسبت دولت‌های توسعه‌گرا با مستضعفین ۸۶

نتیجه‌گیری..... ۸۹

کتابنامه ۹۱

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره)

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ‌نشینی را از این ملت بزداییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در جامعهٔ ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ‌نشینی به پایین بکشید، خود کاخ‌نشینی این خوی را می‌آورد، ممکن است که در بین آنها هم کسی پیدا بشود لکن نادر است. ... آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحهٔ دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزندهٔ کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ‌نشین‌ها خیلی صدمه خوردیم. مجلس‌های ما مملو از کاخ‌نشین بود و در بینشان معدودی بودند که از آن کوخ‌نشین‌ها بودند، و همین معدودی که از کوخ‌نشین‌ها بودند از خیلی از انحرافات جلو می‌گرفتند و سعی می‌کردند برای جلوگیری. آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنیا خدای نخواسته در آنها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحهٔ اسلام را بخوانیم.

صحیفه امام، جلد ۱۷، صفحه ۳۷۵ و ۳۷۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به‌وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن‌وقت] شما می‌بینید فلان خانواده‌ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می‌خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی‌گری فرهنگ شد، می‌شود این. جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که می‌دهند، باید ضدّ این جهت اشرافی‌گری باشد؛ کمااینکه اسلام این‌جوری است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما نوری روشنگر (قرآن) به‌سوی شما فروفرستادیم (نساء: ۱۷۴).

سپاس خداوندی را که بشر را به برهان حقانیت وجود ذی‌جود آخرین فرستاده‌اش و نور روشنی‌بخش کلام‌الله مجید هدایت کرد و ملت شریف ایران را با هدیه‌ی آسمانی انقلاب اسلامی و حیات در ذیل نعمت ولایت در مسیر رشد و تعالی قرار داد.

انقلاب اسلامی نعمت بی‌بدیلی بود که رهین ملت ایران شد تا مسیر تمدن‌سازی اسلامی و الگو شدن برای جهان بشریت را بپیماید و البته در این طریق، راه ناپیموده هنوز زیاد است و نیازمند گام‌هایی استوار و خردورزانه هستیم. اندیشکده‌ی برهان که متشکل از جمعی از فرزندان انقلاب اسلامی است، کانونی است فعال در زمینه‌ی تبیین گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی. تلاش این مؤسسه‌ی اندیشه‌محور بر این است که با تکیه بر سرمایه و استعداد معرفتی-علمی نیروهای فرهیخته‌ی جریان انقلابی و ارزشی، به تبیین گفتمان انقلاب کمک کند و در مسیر تربیت نیروهای فکری تراز انقلاب اسلامی و یا به تعبیری، «مؤمن اندیشه‌ورز جهادی» بکوشد.

موسسه برهان مسیر مطلوب خود را حرکت در چارچوب الگوی امام-امت می‌داند

و بر این اساس، مبنای گفتمان‌سازی جهادگران فکری این اندیشکده بر پایه‌ی تبیین بیانات و دغدغه‌ها و مطالبات سیاسی-فرهنگی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تولید پژوهش‌های معرفتی و راهبردی معطوف به این مهم است. اندیشکده‌ی برهان بر آن است که در مسیر یک جهاد فکری و اعتقادی منسجم و متقن با پاسخگویی مستدل و منطقی به پرسش‌ها و مسئله‌های کنونی جامعه، گره‌گشایی از معضلات فکری و نظری و شبهه زدایی و تولید تحلیل و تأملات سالم و پالوده از کج‌اندیشی و انحراف، گام بردارد.

کتاب حاضر به قلم جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است که به آسیب شناسی اشرافیت در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. لازم است از زحمات آقایان جبار شجاعی، مصطفی عزتی، فرود نودهی، مرتضی خاکزاد، کاظم میرزایی، مسعود ندافان، محمدجواد اخوان و خانم الهه خانی که در نگارش این اثر مشارکت داشته‌اند، کمال سپاسگزاری به عمل آید.

امید است این اثر، گامی کوچک اما مؤثر در شناخت و تعمیق گفتمان تمدن‌ساز انقلاب‌اسلامی و بازخوانی اندیشه‌های ناب اسلامی و مورد رضایت پرچمدار هدایت بشر، حضرت ولیعصر (عج) قرار گیرد.

محمدجواد اخوان

مدیر اندیشکدهٔ برهان

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر تغییر نظام سیاسی در کشور، رهاوردهایی در حوزه‌های گوناگون، از جمله در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی و نخبگان جامعه داشته است. از جملهٔ این فرهنگ‌سازی‌ها را می‌توان اصلاح بینش، نگرش و رفتار مسئولان جامعه در سبک زندگی دانست. تا پیش از انقلاب اسلامی، رسوبات فرهنگ ستم‌شاهی، که ده‌ها قرن بر بنیان‌های اجتماعی کشور مستولی شده بود، نوعی از اشرافیت و تجمل‌گرایی ساختاری را نهادینه ساخته بود. به‌گونه‌ای که تفاخر به مظاهر اشرافیت، از جمله کاخ‌نشینی، از محورهای عمدهٔ اقدامات رژیم ستم‌شاهی در فعالیت‌های ترویجی-تبلیغی به‌شمار می‌آمد.

در مقابل، حضرت امام (ره) عوامل اصلی سقوط و انحطاط رژیم پهلوی را اشرافیت در مقابل توده‌های مستضعف داخلی و درعین‌حال سلطه‌پذیری در حوزهٔ بین‌المللی می‌دانستند. به تعبیر حضرت روح‌الله، «خاصیت اعیانیت و اشرافیت به‌اصطلاح و رفاه این است که چون همیشه خوف این مطلب که نبادا از این مقام پایین بیایم و نبادا یک لطمه‌ای به اشرافیت من بخورد، این خوف، اسباب این می‌شد که نسبت‌به زیردست‌ها ظالم و نسبت‌به بالادست‌ها توسری‌خور باشد.»

یا در جایی دیگر امام (ره) می‌فرماید: «سرچشمهٔ همهٔ مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند، این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان (به‌اصطلاح خودشان) از آن‌ها باشد.» حضرت امام (ره) اشرافی‌گری را ریشهٔ ظلم بر مردم می‌دانند

و بارها به مسئولان جمهوری اسلامی ایران توصیه کرده‌اند: «همهٔ شما باید کوشش کنید. هرکس در هر وزارتخانه هست، باید کوشش کند که اجزای این وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هستند، وضع روحی‌اش جوری باشد که با مردم بسازد. مردم باز احساس نکنند که در این وزارتخانه وقتی ما بخواهیم کارمان را به وزیر بدهیم، باید یک مدتی دم در بایستیم. این وضع اگر یک وقت خدای‌نخواسته دیدید دارد این‌طور می‌شود، بدانید که دارید رو به تباهی می‌روید. اگر بین مردم فرق می‌گذارید و یک ثروتمند و یک بقال سر محله برای شما فرق می‌کند، آن روز، روز حرکت به‌سمت تباهی است.»

در چارچوب نگاه آن عزیز سفرکرده، مستضعفان و پابرهنگان صاحبان اصلی نظام و انقلاب‌اند و همهٔ هم‌وغم مسئولان باید در رسیدگی به این قشر باشد. ازاین‌رو مسئولان نظام نیز باید به‌تأسی از رفتار امیرالمؤمنین علی (ع)، ساده‌زیستی را الگوی زندگی فردی و اجتماعی خود قرار دهند و از نزدیک شدن به اشرافیت، تجمل‌گرایی و کاخ‌نشینی پرهیز کنند. «ملت عدالت می‌خواهد. اتاق بزرگ نمی‌خواهد. ملت وزارتخانه می‌خواهد؛ وزارتخانهٔ اسلامی، نه آن وزارتخانهٔ کاخ دادگستری، کاخ نخست‌وزیری، کاخ وزارتِ مالی، هی کاخ! کاخ مال ملت است. این تزئیناتی که الآن در این کاخ‌ها موجود است، علاوه بر اینکه بسیاری‌اش یا بعضی‌اش از محرمات است و حتماً باید دولت توجه کند به آن، دولتی که می‌گوید دولت اسلامی است و هستند، نباید تحت‌تأثیر واقع بشود و هرطوری سابق بوده، همان‌طوری که در زمان محمدرضاشاه خائن بوده است، حالا هم همان فرم باشد. پس شما چه‌کاره‌اید! تو که می‌گویی من مسلمان هستم، چه‌کاره هستی؟ ما یکی‌یکی باید بگوییم؟ دانه‌دانه باید بسپاریم؟ این‌ها باید اصلاح بشود و شماها من می‌دانم مسلمانید. من همهٔ افراد این‌ها را بعضی‌شان را می‌شناسم، بعضی‌شان را هم معرفی کرده‌اند به من. این‌ها همه متعهدند، همه مسلمان‌اند، لکن ضعیف‌النفس‌اند. می‌ترسند که مبادا یک وقت میهمانی از اجانب بیاید در کاخ دادگستری یا در کاخ نخست‌وزیری و آنجا ببینند که یک [محیط] محقری است. باید حتماً به فرم غرب باشد؟»

در نگاه امام راحل عظیم‌الشأن، مسئولان نه‌تنها باید از کاخ‌نشینی پرهیز نمایند، بلکه باید فرهنگ کاخ‌نشینی و تجمل‌گرایی را نیز از جامعه جدا نمایند: «ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ‌نشینی را از این ملت بزداییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در جامعهٔ ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ‌نشینی به پایین بکشید. خود کاخ‌نشینی این خوی را می‌آورد. ممکن است که در بین آن‌ها هم کسی پیدا بشود، لکن نادر است. توجه کنید که این ملتی که الآن کوخ‌نشینانش مشغول فعالیت هستند و مشغول به زحمت هستند در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، این کوخ‌نشینان را زحمت بکشید که به همین حال خوی کوخ‌نشینی و خوی اینکه توجه به کاخ‌ها نداشته باشند، نگه دارید تا بتوانید ادامه بدهید زندگی صحیح اسلامی را. آن خوی کاخ‌نشینی مضر است. خودش مضر نیست، خوی‌اش مضر است، لکن خود او، این خوی را دنبال دارد.»

از این منظر باید تأکید نمود دوری از اشرافی‌گری و کاخ‌نشینی در گفتمان امام راحل (ره) جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. اهمیت این مسئله تا آنجاست که امام معتقدند اگر روزی این فرهنگ بر مسئولان کشور حاکم گردد، باید فاتحهٔ کشور را خواند. ایشان در این‌خصوص می‌فرمایند: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحهٔ دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما خدای‌نخواسته از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند، پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای‌نخواسته و از این خوی ارزندهٔ کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.»

هرچند این توصیه‌های امام راحل عظیم‌الشأن کاملاً صریح و شفاف بود، اما نیم‌نگاهی به وضعیت کنونی نشان می‌دهد برخی از مسئولان دقیقاً در ۱۸۰ درجه متضاد با توصیه‌های امام (ره) زندگی و مدیریت می‌کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای، بارها نسبت‌به رسوخ این فرهنگ در میان مسئولان هشدار داده‌اند: «ضعف‌های ما خطرهایی است که در سر راه ماست و در این مدت وجود

داشته است و باید بعدها جلوی این‌ها را بگیریم. اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادی‌گرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری یواش‌یواش از قبح افتاد. وقتی ما این‌جور شدیم، این سرریز می‌شود به مردم. میل به اشرافی‌گری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفادهٔ از ثروت به‌شکل نامشروع و نامطلوب، به‌طور طبیعی در خیلی از انسان‌ها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز می‌شود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود.»

ایشان همچنان گاه مجبور شدند برای مقابله با اشرافی‌گری در مسئولان، صراحتاً وارد مصادیق شوند و تذکر دهند. از جمله فرمودند: «از جمله چیزهایی که روند حرکت به‌سمت عدالت را در جامعه کُند می‌کند، نمود اشرافی‌گری در مسئولان بالای کشور است. از این اجتناب کنید. اشرافی‌گری دو عیب دارد. عیب دومش از عیب اولش بزرگ‌تر است. عیب اول اشرافی‌گری، اسراف است. اشرافی‌گری حلال را می‌گوییم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و به‌حق به دست آمده. اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ‌سازی می‌کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست می‌کند. البته در این زمینه مسئولان درجه‌یک بسیار نقش دارند، تلویزیون بسیار نقش دارد، منش من و شما هم بسیار نقش دارد. من یک وقت شنیدم که یکی از وزرای معادن (نمی‌گویم در چه سالی) انواع‌واقسام سنگ‌های گران‌قیمتی را که ما در کشور داریم، آورده و در وزارتخانه‌اش کار کرده است. من در اینجا او را خواستم و به او گفتم: شما چرا این کار را کردی؟ گفت: وقتی مسافران خارجی به وزارتخانه می‌آیند، این سنگ‌ها جلوی چشمشان قرار گیرد و مشتری پیدا شود. شما را به خدا، این منطق قابل قبول است؟ ما این‌همه خرج کنیم و سنگ‌های وزارتخانه را (که دارد یا ندارد) جمع کنیم و سنگ جدید نصب کنیم، برای اینکه مشتری پیدا کنیم... البته من در این زمینه‌ها قبلاً سفارش‌هایی به عزیزان کرده‌ام. در همین چند ماه قبل دو گزارش جداگانه از بوشهر و اصفهان به من رسید که به‌معنای حقیقی کلمه خواب را از چشم

من ربود. هر دو هم مربوط به دستگاه‌های دولتی بود. گزارش اصفهان مربوط به محل سد است؛ مظهر فاصله و دره بین وضع زندگی قشرهای فقیر و قشرهای دولتی. در آنجا خانه‌ها و ویلاهایی ساخته‌اند (البته بخش خصوصی هم هست، اما دولت هم در آنجا از این کارها کرده است)، کنارشان هم مردم زندگی عادی‌ای ندارند؛ نان ندارند که شکمشان را سیر کنند. دروازه هم گذاشته‌اند که کسی حق ندارد از آنجا عبور کند و به آن‌طرف برود.»

اکنون علاوه بر اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی برخی مدیران، با بیماری مهلکی به نام «اشرافیت دولتی» مواجهیم. شکل‌گیری آفتی به نام «اشرافیت دولتی»، که شاید یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های جامعهٔ امروز ما را رقم زده است، نشانه‌هایی دارد که «جدا شدن مسئولان از عامهٔ مردم»، «پیگیری خواسته‌های طبقهٔ خاص و ممتاز»، «بی‌توجهی به اقشار محروم و مستضعف»، «افتادن در ورطهٔ مسابقهٔ کسب ثروت» و نهایتاً «سبک زندگی تجملی، اشرافی و به‌دور از مردم مستضعف» برخی از علائم این بیماری است. عجیب نیست که در سال‌های اخیر بیشتر مدیران، مناطق شمال تهران و بعضاً ویلانشینی در اطراف تهران را برای سکونت برگزیده‌اند. هم‌زمان با مسئولیت دولتی، از ثروت‌اندوزی در کسب‌وکارهای شخصی دست نکشیده‌اند و فرصت‌های ویژه‌ای برای آقازاده‌های خود فراهم آورده‌اند.

نمی‌توان از مدیری که با وجود کهولت سن هم‌وغم خود را معطوف به کسب‌وکار و شرکت‌های خانوادگی واردات، برج‌سازی و... کرده است، انتظار توجه به معیشت جامعه را داشت و نباید توقع داشت که مدیری که کالا و خودروی لوکس خارجی مصرف می‌کند، دغدغهٔ بیکاری کارگر و مهندس جوان ایرانی را داشته باشد.

لازمهٔ مسابقهٔ اشرافیت و تجمل، کسب هرچه بیشتر ثروت است و این‌چنین است که به خزانهٔ بیت‌المال مسلمین به چشم قلک شخصی نگریسته می‌شود و با عناوین مضحکی همچون «حق اوقات فراغت فرزندان» و «پاداش شرکت در هیئت‌مدیره» و... به آن دست‌اندازی می‌شود. عذر بدتر از گناه آن است که این حرام‌خواری‌ها، قانونی شمرده و مسببان آن «ذخیرهٔ نظام» معرفی می‌شوند.

زمانی که فرهنگ و الگوی اشرافیت در نظام مدیریتی کشور حاکم شود، اولاً مسابقهٔ زراندوزی میان دست‌اندرکاران به راه می‌افتد. ثانیاً فرهنگ تکنوکراتیک لیبرال، که فساد را لازمهٔ پیشرفت می‌داند، غلبه پیدا می‌کند. مسئولان نسبت‌به اقشار مستضعف و محروم جامعه بی‌اعتنا می‌شوند و نهایتاً طبقه‌ای از مدیران اشرافی‌مسلک در مصدر امر قرار می‌گیرند که تنها منافع قشر خاصی از سرمایه‌سالاران و مرفهین بی‌درد را پیگیری می‌کنند. نمونهٔ تام‌وتمام چنین ساختاری را در کشورهای غربی دارای نظام سرمایه‌داری می‌توان دید که حاکمیت یک درصد اشراف، ۹۹ درصد مابقی را به واکنش وامی‌دارد.

درخصوص ریشه‌های نفوذ این بیماری در نظام مدیریتی کشور، باید گفت قدمت نفوذ اشرافیت در میان مدیران کشور که به شکل‌گیری طبقه‌ای جدید انجامید، به حدود سه دهه پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که در دورهٔ موسوم به سازندگی، صراحتاً از مانور تجمل سخن به میان آمد، به بهانهٔ پذیرایی از مهمانان خارجی، کاخ‌های رژیم ستمشاهی گشوده شد و تجمل‌گرایی در سبک زندگی شخصی و نیز دکوراسیون اتاق‌های مدیران ظهور و بروز پیدا کرد. این زمان بود که مسابقهٔ اشرافیت میان برخی از مدیران به راه افتاد و روزبه‌روز آن‌ها را از جامعه دور کرد.

اما نسلی از مدیران که چند سالی به‌واسطه گردش نخبگانی، از قدرت دور بودند و در بخش خصوصی فعالیت می‌کردند و احتمالاً نیز در همین دوره ثروت میلیاردی خود را چندبرابر کردند، اینک (باز به همان دلیل گردش نخبگانی به‌سویی دیگر) راهی میز و صندلی‌های پیشین خود شده و سکان‌دار مسئولیت‌های مهم اجرایی شده‌اند. این دسته از مدیران که دیگر به سبک زندگی تاجرمآبانه و سرمایه‌داری عادت کرده‌اند، گویی فراموش کرده‌اند که مسئولیتی که به آن‌ها سپرده می‌شود، ماحصل خون نزدیک به سیصد هزار شهید گلگون‌کفن است و خزانهٔ بیت‌المال غیر از حساب شرکت‌های خصوصی مایملک خودشان است. اگر تا دیروز در بخش خصوصی که در مالکیت تام‌وتمام خودشان بوده، به صندوق دخل بنگاه خود به‌عنوان جیب شخصی خود و خانواده‌شان نگریسته‌اند، باید بپذیرند که خزانهٔ کشور و دارایی ملت، این‌چنین نیست و ریال‌به‌ریال آن در دو دنیا مورد سؤال قرار می‌گیرد.

اکنون به کشور خود نگاه کنیم. چهار دهه پیش در این کشور انقلابی رخ داد که پیش‌برندهٔ اصلی آن مستضعفان بودند و نظام برخاسته از آن، مردم را ولی‌نعمت مدیران می‌انگاشت. اکنون مدیرانی یافت می‌شوند که تفرعن‌آمیز به مردم می‌نگرند و خزانهٔ بیت‌المال مسلمین را تأمین‌کنندهٔ «هزینه‌های اوقات فراغت فرزندان خود» می‌انگارند. روشن است که هیچ نسبتی میان این دسته از مدیران با گفتمان انقلاب اسلامی وجود ندارد، اما مع‌الأسف هزینه‌های آن به‌پای نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌رود. دلیل آن نیز وجود نگاهی خطرناک است که به‌دنبال تغییر هویت جمهوری اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که از این نظام، تنها نامی به‌ظاهر باقی بماند.

باری، صدای پای اشرافیت این‌بار بلندتر شنیده می‌شود و خطر آن به‌مراتب جدی‌تر است. اگر تا دیروز اشرافیت خود را مزورانه پنهان می‌کرد، این‌بار آشکارا و بی‌محابا در اتاق، خودرو، منزل و فیش‌های حقوقی مدیران اجرایی لانه کرده است و این بیماری روزبه‌روز دامن تعدادی بیشتر را می‌گیرد. اگر بخواهیم کشور را از این بیماری مهلک نجات دهیم، باید طبقهٔ اشراف دولتی را شناخت و مانع از امتداد تسلط این طیف بر حاکمیت اجرایی کشور شد. کتاب حاضر تلاشی است برای آسیب شناسی اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی در نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز ضرورت تبدیل شدن حمایت از مستضعفان به یک اولویت اصلی و مهم.